

## اندیشه‌های سلفی‌گرایانه در غرب جهان اسلام؛

### سلفی‌های جهادی - تکفیری (بخش دوم)

مهدی اخلاقی‌نیا\*

#### چکیده

شمال و غرب آفریقا به علت موقعیت جغرافیایی، جمعیتی و تأثیرگذاری تمدنی بر جهان اسلام، به خصوص مناطق هم‌جوار، از مناطق مهم و پرجمعیت جهان اسلام به شمار می‌روند. دیدگاه‌های جهادگرایانه آمیخته با عقاید تکفیری در این مناطق به خصوص در مصر و نا حدی در الجزایر که عمق و ریشه تاریخی و علمی دارد، کشورهای اسلامی منطقه و حتی جهادگرایان سراسر جهان اسلام را متأثر ساخته و می‌سازد. اگرچه انگیزش‌ها و انگیزه‌های متفاوتی میان جهادگرایان مناطق مختلف دنیای اسلام وجود دارد، ایدئولوژی جهادگرایی تقریباً به طور یکسان بخش‌های آسیب‌دیده جوامع را تحت تأثیر خود قرار داده است. در غرب جهان اسلام نیز به رغم عمق کم و نفوذ ناقص این اندیشه‌ها در لایه‌های اجتماعی، به دلیل حساسیت منطقه و وجود نیروهای کیفی و سازماندهی تاریخی و مبارزات طولانی، شاهد اثرگذاری چشمگیری هستیم. در بخش نخست این مقاله ضمن ارائه زمینه‌ها و پیشینه نظری، وضعیت اندیشه و گروه‌های جهادی و تکفیری در کشورهای مصر، لیبی و تونس بررسی می‌شود. در بخش دوم در تکمیل بحث، وضعیت اندیشه و موقعیت گروه‌های وابسته به این دیدگاه در کشورهای مراکش و الجزایر بررسی می‌شود و در ادامه به ویژگی‌ها و موقعیت سازمان القاعده به عنوان نماد سلفی‌های جهادی و تکفیری در منطقه پرداخته می‌شود.

#### مقدمه

رشد و شکوفایی گروه‌های وابسته به اندیشه جهادی - تکفیری در غرب جهان اسلام عمدتاً به دوره‌ای منتسب است که دولت‌ها اقدام به سرکوب شدید حرکت‌های اسلامی و گروه‌های میانه‌روی اسلام‌گرا کردند و عملاً توانایی ایدئولوژی‌سازی و جذب جمعیت انبوه جوانان عربی را نداشتند که از شکست‌های پی‌درپی در برابر قدرت‌های استعماری و رژیم صهیونیستی سرخورده شده و در عین حال با پیروزی انقلاب اسلامی ایران (به رغم تفاوت نسبی در مواضع) به هیجان آمده بودند.

بدین ترتیب با مهاجرت برخی جهادگرایان از سرزمین‌های اسلامی به ویژه از مصر دوران ناصر، به سرعت هسته‌های اولیه گروه‌های جهادی در غرب جهان اسلام شکل گرفتند یا تقویت شدند. بنابراین، علاوه بر چهار علت وجودی گروه‌های جهادی - تکفیری در مصر شامل قطبی شدن جوامع اسلامی در راستای خطوط فرهنگی و گسست اجتماعی ناشی از اندیشه‌های بیگانه؛ به حاشیه رانده شدن و عدم کارایی عناصر سنتی فرهنگی؛ شکست‌های پی‌درپی روحی و حیثیتی جوامع اسلامی به علاوه شکاف طبقاتی و بروز پدیده حاشیه‌نشینی؛ تلاش مسلمانان سنی برای دگرگون ساختن موازنه قدرت درون جوامع اسلامی، می‌توان به علت پنجمی اشاره کرد که عملاً علت تهییج‌کننده بوده است نه علت وجودی و آن پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود که سبب شد اسلام‌گرایان ایرانی قدرت را در کشوری اسلامی به دست گیرند.

البته ویژگی‌ها و عقاید سلفی‌های جهادی و تکفیری در بسیاری موارد با ایدئولوژی دین‌محور انقلابیون ایرانی متفاوت بود، اما در آن زمان ویژگی‌ها و تفاوت‌های درون‌گفتمانی چندان اهمیت نداشت و مهم درک و فهم این مطلب بود که می‌توان تحت لوای عقاید اسلامی به بازسازی حکومت‌های از دست‌رفته اسلامی همت گمارد و به این هدف نیز دست یافت.

از همان آغاز، این بی‌توجهی عمیق سلفی‌های جهادی - تکفیری به گفتمان درون‌دینی به علت شتاب برای رسیدن به جامعه اسلامی و مبارزه با جامعه جاهلی، سبب شد در بسیاری موارد، اعمالی از این گروه‌ها سر بزند که حتی با مبانی فقهی اهل تسنن سازگاری نداشت. به همین علت، مراجع سنتی اسلامی آنها را طرد کردند و حتی در جوامع صوفی‌مآب و صلح‌طلب شمال و غرب آفریقا جایگاهی درخور به دست نیاوردند.

فقدان پایگاه اجتماعی و نیز توانمندی دولت‌ها در برخورد با گروه‌های جهادی و تکفیری سبب شد که آنها همگی به فعالیت‌ها و عملکرد سازمانی و نه جنبشی در منطقه روی آورند و همین امر در جدایی بیش از پیش آنها از جامعه اسلامی بسیار تأثیرگذار بود. پیامد این جدایی را نیز می‌توان در روش برخورد این گروه‌ها با جامعه مسلمان دید که در بسیاری موارد به تکفیر کل جامعه پرداختند و اصطلاح «جامعه جاهلی» در برابر جامعه اسلامی در ادبیات جهاد - تکفیرگرایان رایج شد.

این نوشتار به چپستی و چگونگی وضعیت گروه‌های منتسب به اندیشه‌های سلفی تکفیری و جهادی می‌پردازد. بنابراین در دو بخش ضمن بررسی و واکاوی اندیشه تکفیری - جهادی، وضعیت گروه‌های جهادی - تکفیری و فعالیت آنها در کشورهای شمال آفریقا و غرب جهان اسلام به تفکیک کشور توصیف و تبیین شده است.

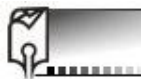
بخش دوم مقاله در تداوم مباحث بخش نخست، جهادگرایان تکفیری در کشورهای مراکش و الجزایر را مورد بررسی قرار داده و در پایان بحث نیز به واکاوی جایگاه و فعالیت‌های سازمان القاعده در غرب جهان اسلام پرداخته است.

#### ۱. سلفی‌های جهادی و تکفیری در مراکش

مراکش عمدتاً در دهه اخیر جولانگاه گروه‌های تکفیری و جهادی شده است. اگرچه پیدایش این گروه‌ها و عقایدشان در مغرب به یک دهه اخیر برمی‌گردد، تحولات همین یک دهه سبب شده است این گروه‌های نسبتاً کوچک و کاملاً افراطی، از مسأله‌ای امنیتی برای دولت‌ها به معضلی اجتماعی برای ملت‌ها و کل منطقه شمال آفریقا و در نتیجه مراکش تبدیل شوند. به طور مشخص پس از سال ۲۰۰۱، مبارزه با تروریسم مذهبی در مراکش به شدت پیگیری می‌شود. با کشف و نابودی شبکه جهادی جبل‌الطارق در تابستان ۲۰۰۲ که قصد داشت در تنگه جبل‌الطارق عملیاتی انجام دهد و نیز پس از انفجارهای خونین در دارالبیضا در سال ۲۰۰۲، مراکش در آماده‌باش امنیتی به سر می‌برد و سطح کنترل افراد در شهرهای بزرگ و توریستی افزایش یافته است.

در مراکش شبکه‌های پراکنده و بی‌سازمانی از گروه‌های سلفی جهادی و تکفیری وجود دارد که به رغم نزدیکی اعتقادات با

\* کارشناس مسائل اندیشه سیاسی در اسلام



گروه‌های بزرگ‌تر سلفی جهادی، عمدتاً سطح روابط سازمانی آنها بسیار کم و محدود است و تقریباً تا پیش از تأسیس شعبه القاعده در مغرب عربی در سال ۲۰۰۷، ارتباطی دامن‌دار و طولانی قابل شناسایی نیست. سلفی‌های جهادی و تکفیری در مراکش به دلایل زیر تاکنون در عمق جامعه نفوذ نکرده‌اند و تنها به عضوگیری در مناطق قبیله‌ای و قومیتی فقیرنشین پرداخته‌اند.

### الف) تأکید قانون اساسی و دولت بر اسلامی بودن مراکش

قانون اساسی مراکش در مقدمه کشور را چنین معرفی می‌کند: «کشور پادشاهی مراکش دارای دولتی مسلمان و مستقل با زبان رسمی عربی، بخشی از سرزمین مغرب بزرگ را تشکیل می‌دهد.» همچنین اصل ششم قانون اساسی تأکید می‌کند: «حکومت این کشور اسلامی است و انجام آزادانه آیین‌های مذهبی را برای همگان تضمین می‌کند.» فراتر از این، قانون اساسی مراکش نه تنها نظام حکومتی را دینی اعلام می‌کند، بلکه سرنوشت پادشاهی را نیز به اسلام پیوند می‌دهد.

اصل ۱۰۶ قانون اساسی تصریح می‌کند: «ساختار سلطنتی حکومت و نیز مقررات مربوط به دین اسلام را نمی‌توان موضوع بازنگری قانون اساسی قرار داد.»

علاوه بر آن، القابی همچون «امیرالمؤمنین» که در قانون اساسی به پادشاه نسبت داده می‌شود، نشان می‌دهد بر خلاف سایر دولت‌های شمال آفریقا که واجد شکاف دین و دولت هستند، دولت مراکش در تلاش است مشروعیت خود را به صورت سنتی از دین کسب کند. از این رو، بخشی از توانمندی‌های مسلمانان پرجنب و جوش و وظیفه‌گرا در برخورد با مبانی مشروعیت دولت، جذب نظام حاکم شده یا منفعل می‌شود.<sup>۱</sup>

### ب) فعالیت گروه‌های اسلام‌گرا

حزب عدالت و توسعه حزبی قانونی با گرایش‌هایی منتسب به اخوان‌المسلمین و چاشنی محافظه‌کاری از سال ۱۹۹۸ اجازه فعالیت در مراکش را کسب کرده است. گفتنی است نام حزب پس از تأسیس، از جنبش اصلاح و تجدید به حزب عدالت و توسعه تغییر کرده است. عقاید این حزب بر دو اصل استوار است:

۱. ملی بودن جماعت و عدم وابستگی آن به سازمان‌ها و کشورهای خارجی و بیگانه (علت تأکید بر این اصل این است که به دلیل گرایش‌های اخوانی حزب، رقبا آن را به عامل بیگانه یا وابسته به اندیشه‌های تندرو متهم نکنند).
۲. حزب خود را تنها نماینده یا وکیل اسلام نمی‌داند، بلکه گروهی اسلامی است که سعی در تطبیق دین در تمام سطوح زندگی معمول و روزانه دارد.<sup>۲</sup>

هم‌اکنون این حزب با در اختیار داشتن ۴۶ کرسی مجلس مراکش، دومین حزب بزرگ این کشور به شمار می‌رود و با وجود همکاری با دولت، نقش مخالف دولت را در مجلس ایفا می‌کند. بنابراین، حزب نمایندگی گروهی بی‌شمار از مسلمانان مراکش را دارد و توان جذب بسیاری از نیروهای اسلام‌گرای افراطی را در خود پروراند است.

در کنار این حزب، جماعت عدل و احسان نیز به فعالیت غیردولتی می‌پردازد. این جماعت بزرگ‌ترین نیروی معارض اسلامی - سیاسی در مراکش به شمار می‌رود که طی سه دهه گذشته، خارج از تشکیلات رسمی سیاسی و حزبی فعالیت کرده است.

این گروه که در سال ۱۹۸۲ به عنوان جمعیت خیریه به ثبت رسید، در سال ۱۹۸۷ به رهبری شیخ عبدالسلام یاسین فعالیت سیاسی را نیز آغاز کرد.

می‌توان گفت جماعت عدل و احسان توان گسترده‌ای برای جذب نیروهای وظیفه‌گرای مسلمان تحت لوای ایدئولوژی اسلامی مخالف دولت با منشی میانه‌روانه دارد.

در حال حاضر، جماعت عدل و احسان غیررسمی فعالیت می‌کند و همانند اخوان‌المسلمین مصر اجازه فعالیت رسمی ندارد. خانم حکیم مختاری، یکی از مسئولان جماعت، درباره رابطه جماعت با حزب عدالت و توسعه می‌گوید: «ایده‌های ما با نظریات حزب عدالت و توسعه بسیار متفاوت است. آنها برخلاف ما در بازی سیاسی شرکت کرده‌اند.» با این حال، اغلب هواداران جماعت به حزب مذهبی و محافظه‌کار عدالت و توسعه رأی می‌دهند.<sup>۳</sup>

### ج) دیدگاه‌های صوفیانه

در مراکش نیز مانند سایر کشورهای شمال آفریقا، دیدگاه‌های صوفیانه تأثیر و عمق بسیاری در جامعه دارد. شیوخ صوفیه به علت ایفای نقش ملی در مبارزه با اشغالگران اسپانیایی مورد اقبال عمومی قرار گرفته‌اند و زوایای شیوخ صوفیه محترم‌اند. به رغم مخالفت برخی علما و فقهای سلفی با صوفیان، از همان ابتدا در آفریقا به خصوص در مراکش، متون صوفیان در مدارس و سایر پایگاه‌های علوم دینی و نیز در زوایا و خانقاه‌ها تدریس می‌شد. تصوف به رغم انحراف‌های خاص، کارکردهای مثبتی به ویژه در جوامع سنی‌مذهب داشته است که از جمله آنها مبارزه با ایده‌های تندروانه و تکفیرگرایانه در جوامع شمال آفریقا است. از این رو، یکی دیگر از دلایل مهم اجتماعی نشدن جنبش‌های جهادی تکفیری در مراکش نفوذ بنیادین عقاید متساهل صوفی‌مآب در این کشور است.<sup>۴</sup>

### بستر حضور اندیشه‌های جهادی - تکفیری

نتایج پژوهشی که پس از بمب‌گذاری‌های کازابلانکا و مادرید انجام شده است، نشان می‌دهد اکثریت تکفیرگرای مراکش از محله‌های فقیرنشین با قومیت‌های عمدتاً صراوی کازابلانکا، فاس، طنجه و حومه‌های ویران و حلی‌آبادهای اطراف این شهرها هستند.<sup>۵</sup>

این تکفیرگراها بخشی از نسلی جدید را تشکیل می‌دهند که از میان محرومان محله‌های فقیرنشین و بخش‌های دورافتاده برخاسته‌اند.

بخش‌های خارج از محدوده به محل عضوگیری تکفیرگراها تبدیل شده‌اند، زیرا اختلاف میان این بخش‌ها و سایر گروه‌های

<sup>۱</sup> . برای مطالعه قانون اساسی مراکش رک:

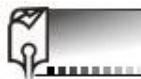
[www.mincom.gov.ma/English/Generalities/State-st/constitution.htm](http://www.mincom.gov.ma/English/Generalities/State-st/constitution.htm)

<sup>۲</sup> . کمال فیروزآبادی، سیاست و مذهب در مراکش، تهران: نشر امن، ۱۳۷۸، ص ۸۵.

<sup>۳</sup> . Le Monde Diplomatique, April 2004.

<sup>۴</sup> . The Oxford Encyclopedia of the Modern. Vo.14, 1998, PP- 129- 130- 132.

<sup>۵</sup> . La Monde Diplomatique, Noveber 2004.



اسلام‌گرا مانند حزب عدالت و توسعه که به مبارزه قانونی و سیاسی پیوسته است یا جماعت عدل و احسان که به صورت غیررسمی عمل می‌کند، تنها در روش نیست بلکه در خاستگاه ملی - قومی و پایگاه اجتماعی آنهاست. ساکنان این مناطق که به لحاظ ملی و اجتماعی رابطه‌ای عینی با شهرهای مراکش ندارند، به صورت غیرقانونی و بدون مدرک شناسایی زندگی می‌کنند و ساکنان شهرها آنان را به دلیل قومیتشان «غیرمراکشی» می‌خوانند. آنچه جریان اسلام‌گرایی تکفیری و جهادی مراکش را از سایر گروه‌های افراطی در شمال آفریقا جدا و روند شکل‌گیری و رشد آنها را قابل تأمل می‌سازد، گره خوردن کاملاً معنی‌دار قومیت، فقر و طبقه اجتماعی با افراط‌گرایی مذهبی است.<sup>۶</sup> باید یادآور شد گروه‌های تکفیری و جهادی مراکش در مقایسه با همتایانشان در شمال آفریقا، در دسته‌های مستقل بسیار کوچک و بدون رهبری مشترک سازمان‌یافته‌اند. از این رو، به رغم تعدد مراکز سازماندهی، تعداد فعالان جهادی و تکفیری در این سرزمین حدود چند صد نفر برآورد می‌شود.<sup>۷</sup> به طور خلاصه، جریان سلفی جهادی و تکفیری به دلیل وجود جریان‌های قومی اسلام‌گرای میانه‌رو درون و بیرون دولت مراکش و نیز سیاست‌های کلی دولت مبنی بر بروز جلوه‌های دولتی اسلامی و همچنین جو عمومی ناشی از فرهنگ متساهل متصوفه، نتوانسته است از حرکت حاشیه‌ای کم‌توان و کم‌بینه پا را فراتر گذارد. اما جریان مراکشی‌های بازگشته از جنگ افغانستان کمی متفاوت است. این گروه از جهادی‌ها بیش از مراکش در اسپانیا فعال هستند. از سال ۲۰۰۱ به آن سو، بالغ بر ۳۱ درصد از جهادی‌های تکفیری افراطی دستگیرشده در اسپانیا مراکشی بوده‌اند.<sup>۸</sup>

#### برخی گروه‌های سلفی جهادی و تکفیری مراکشی

| نام گروه                       | رهبری                                                                                      | وضع فعلی                                             |
|--------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------|
| جناح سلفیة الجهادیة مغرب       | رهبر معنوی محمد الفیزازی                                                                   | در حال سرکوب شدن است و رهبر آن در زندان به سر می‌برد |
| جماعت اسلامی توحید و جهاد مغرب | ابوجهاد                                                                                    | نزدیک به القاعده                                     |
| منظمة الصراط المستقیم مغرب     | میلودی زکریا                                                                               | نزدیک به القاعده                                     |
| جماعت هجرت و تکفیر مغرب        | داوود مخملی                                                                                | نزدیک به القاعده                                     |
| جماعت اسلامی جنگجویان مراکش    | توسط عبدالکریم المجاطی تأسیس شد و هم‌اکنون محمد الکریوزی، ساکن لندن، متهم به رهبری آن است. |                                                      |

علاوه بر این، جماعت‌هایی همچون انصار المهدی، شبکه تونسسی و شبکه‌های «دم» و هسته «مونبولیه» به عنوان هسته‌های بسیار کوچک در گوشه و کنار مراکش به چشم می‌خورند.

#### ۲. سلفی‌های جهادی - تکفیری در الجزایر

الجزایر مانند مصر، سرزمینی است که گروه‌های زیادی براساس عقاید و افکار شخصیت‌های اسلامی (عمدتاً مصری) و غیراسلامی در آن تأسیس شده‌اند.

در این میان به نظر می‌رسد گروه‌های سلفی مهم‌ترین و قدیم‌ترین گروه‌ها و حرکت‌های اسلامی معاصر در الجزایر هستند. برای مثال، حرکت سلفیه به رغم فراگیر نبودن، قدرت و نفوذ زیادی در این کشور دارد تا جایی که برخی محافل و مقامات سیاسی الجزایر چالش‌ها و تنش‌های به وجودآمده در طول چند سال اخیر را ناشی از اندیشه‌های برگرفته از مفاهیم و تفکرات سلفی‌گری می‌دانند.

به طور کلی، طرفداران و هواداران سلفیه در الجزایر از نظر اعتقادی به دو گروه بزرگ تقسیم می‌شوند:

۱. عده‌ای که به کار بردن دین در امور سیاسی را مردود دانسته‌اند و از اصل «سیاست‌مدار کسی است که سیاست را کنار بگذارد» پیروی می‌کنند. به نظر آنها، اشتغال به کار سیاسی همان دعوت به فتنه و خروج از راه و روش نیاکان و سلف صالح است. بنابراین، تنها به تربیت و تعلیم مردم و دعوت به فضایل اسلامی همت گمارده‌اند. این عده جریان‌ها و حوادث خونین سال‌های اخیر در الجزایر را از عواقب سیاسی شدن دین و دعوت برای به کار بردن زور و خشونت با هدف ایجاد دولت و حکومت اسلامی در این کشور می‌دانند. از این رو با تمام حرکت‌های سلفی‌های جهادی و تکفیری مخالف‌اند.

۲. دسته دوم اعتقاد و التزام به ورود به صحنه سیاسی دارند. آنها دین فارغ از سیاست را درک نمی‌کنند و معتقدند تأسیس حزب اسلامی و فعالیت سیاسی اسلامی مانند چارچوبی است که همه گروه‌های اسلامی را در خود جای می‌دهد. آنها می‌گویند دولت اسلامی تنها با اکتفا به تعلیم و تربیت اسلامی تأسیس نمی‌شود، بلکه در صورت ضرورت باید با اعمال زور و خشونت به اهداف و برنامه‌های خود نایل شد.<sup>۹</sup>

این گروه خود دو شاخه می‌شود: نخست، اعضا و افراد بازمانده از جبهه نجات اسلامی که بر آرمان سلفیه اصلاحی خود پابرجا مانده‌اند و تنها در قالب حرکت‌های سیاسی و حزبی حرکت می‌کنند. دوم، گروه‌های سلفی تکفیری و جهادی که در بسیاری موارد از القاعده متأثرند.

هدف حرکت سلفی در الجزایر در آغاز کار، تعلیم و ترکیه جامعه اسلامی و دوری از درگیری‌های سیاسی و ایدئولوژیک بود،

<sup>۶</sup> . حلبی‌آبادها حدود ۱۰ درصد جمعیت مراکش را در خود جا داده‌اند. در کازابلانکا، جمعیت حلبی‌آبادها بالغ بر سیصد هزار نفر است که حدود ۵ درصد کل جمعیت حدود شش میلیون نفری این شهر را شامل می‌شود.

<sup>۷</sup> . Le Monde Diplomatique.

<sup>۸</sup> . کاتالونیا، «بهشت القاعده»، ترجمه محمد صادق امینی، روزنامه اعتماد، ۸۶/۳/۳۹.

<sup>۹</sup> . امیری گزالدینی، «سلفیه در الجزایر»، جام‌جم، ۱۳۸۵/۱۱/۳۹.



اما پس از مدتی به علت سلیقه‌های متفاوت برخی رهبران آن، در اهداف حرکت سلفیه تغییراتی به وجود آمد. پیشینه تاریخی این جریان در الجزایر به سال ۱۹۳۱ بازمی‌گردد که جمعیت علمای مسلمین به عنوان جمعیتی تبلیغی و ارزشی تأسیس شد. مهم‌ترین رهبران این جمعیت علامه عبدالحمید بن بادیس، البشیر الابرهمی، الطیب العقبی و مبارک المیلی بوده‌اند.

به رغم تداوم فعالیت‌های این جنبش، حرکت سلفیه تکفیری و جهادی در سال ۱۹۷۶ با فعالیت شیخ العشماوی آغاز شد. شیخ العشماوی مصری‌الاصل، یکی از شخصیت‌های مشهوری بود که در ترویج آرا، افکار و اندیشه‌های سلفیه وهابی و تکفیری در الجزایر نقش مهمی ایفا کرد. وی طی سفرهای متعدد به الجزایر اقدام به ایجاد حلقه‌های درس دینی برای تعلیم و تربیت اسلامی کرده بود. این اقدام تأثیری شگرف بر جوانان آن روز الجزایر گذاشت، به گونه‌ای که بسیاری از فعالان سلفی در الجزایر از شاگردان مکتب العشماوی بودند. از افراد دیگری که متأثر از تکفیرگرایی وهابی در عربستان سعودی تحصیل کردند و سپس به ترویج آرای خود در الجزایر پرداختند، شیخ العید و شیخ عبدالملک بودند.

در دوران ریاست‌جمهوری هوارې بومدین بین سال‌های ۱۹۷۸-۱۹۶۵، ایدئولوژی حاکم بر الجزایر تحت تأثیر آرای وی و جبهه آزادی‌بخش ملی، ترکیبی از سوسیالیسم، ناسیونالیسم و اسلام بود. براساس این ایدئولوژی، حکومت الجزایر می‌خواست کشمکش میان فرانسه‌دوستان (فرانکوفون‌ها) و عرب‌گرایان (ناسیونالیست‌های عرب) را تعدیل کند و هویت مجزای الجزایری را براساس اصول عرب‌گرایی و اسلام و با محتوایی غیرمذهبی بنا نهد.

دولت برای اسلامی کردن گفتمان هویتی، اسلام را به انحصار خود درآورد و حتی فعالیت‌های گروه‌های اسلامی غیرسیاسی همانند القیام و اهل الدعوة را محدود ساخت. در کنار آن حکومت الجزایر، معلمان و استادان اسلام‌گرا و روحانیون مصری‌گرایان از سرکوب‌های رژیم ناصر علیه اخوان‌المسلمین (و سایر اسلام‌گرایان) را به الجزایر دعوت کرد. بنابراین آنچه در آغاز کار بومدین در دهه ۱۹۶۰ به عنوان ساخت هویت جدید الجزایری (عربی و اسلامی) آغاز شد، در اوایل دهه ۱۹۸۰ به اسلام‌گرایی سیاسی توده‌ای انجامید.<sup>۱۰</sup>

ناکارآمدی سیاسی و اقتصادی دولت و شکست آشکار توسعه ملی و گسترش فساد عمومی سبب شد حرکت‌های اسلامی در الجزایر متأثر از انقلاب اسلامی ایران، اوج بگیرند. علاوه بر این، حرکت‌های سلفی تکفیری و جهادی که در منطقه نوپا بودند تحت این شرایط و دگرگونی‌های بین‌المللی مجال بیشتری برای رشد و گسترش یافتند.

پس از سرکوب شدید فعالیت‌های «حرکت اسلامی» (۱۹۸۳) به رهبری مصطفی بوعلی و جبهه نجات اسلامی<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۹) توسط دولت عملاً صحنه رقابت برای اسلام‌گرایان سنتی و سلفی‌های میانه‌رو به شدت محدود شد. در نتیجه، گروه‌های سلفی جهادی و تکفیری جای خود را میان جوانان معترض و اسلام‌گرا باز کردند و به آرامی سنگرهای خالی‌شده از مبارزان را به خود اختصاص دادند.

این روند به گونه‌ای بود که تا سال ۱۹۹۲ جماعت سلفیه برای دعوت و پیکار<sup>۱۲</sup> (GSPC) و گروه اسلام‌گرای مسلح (GIA) بیش از ۶۵۰ هزار عضو فعال متعهد داشتند.<sup>۱۳</sup>

پس از این سال، جماعت‌های اسلامی مسلح تحت لوای ایدئولوژی سلفی جهادی و تکفیری به رهبری افرادی همچون عبدالحق لعیایه،<sup>۱۴</sup> قواسمی، صالح عطی، بن عمار و الافغانی تأسیس شد.<sup>۱۵</sup> جماعت «جزاره» نیز که سلفی‌گری را با رنگ و لعاب الجزایری می‌پسندید، به رهبری محمد السعید در سال ۱۹۹۲ به این ائتلاف ملحق شد. جزاره‌ها هر آنچه را رنگ و صبغه داخلی و محلی داشت، صاحب اصالت می‌دانستند و هر آنچه را از خارج از کشور می‌آمد تحریم می‌کردند. محمد السعید و گروهش به قتل و کشتار شهروندان الجزایری متهم بودند. در نهایت نیز جمال زیتونی، رهبر یکی دیگر از گروه‌های سلفی، محمد السعید را به قتل رساند. از دیگر اعضا و گروه‌های حاضر در این ائتلاف جهادی می‌توان به جدانشدگان از جبهه نجات اسلامی پس از استقلال آن اشاره کرد. منصوری ملیانی نیز پس از انحلال جبهه نجات اسلامی به ائتلاف مسلح پیوست. وی در ژوئیه ۱۹۹۲ دستگیر و در می ۱۹۹۲ به اعدام محکوم شد.

عبدالقادر شیبوطی نیز در فوریه ۱۹۹۲ حرکت دولت اسلامی را تأسیس کرد. با تشکیل این حرکت، هواداران آن به عملیات زیرزمینی روی آوردند اما مشی گروه خیلی افراطی نبود.

این روند تقریباً در طول دهه ۱۹۹۰ تداوم داشت و گروه‌های مختلف و فراوانی با ایدئولوژی‌های سطحی جهادی و تکفیری پا به عرصه نهادند، اما یکی پس از دیگری منحل یا توسط دولت از میان برداشته و تضعیف شدند.

با روی کار آمدن عبدالعزیز بوتفلیقه، رئیس‌جمهور فعلی الجزایر، و برپایی همه‌پرسی آشتی ملی در کشور، شمار فراوانی از هواداران سلفیه تکفیری و جهادی که از سوی دولت متهم به اعمال خشونت‌بار در کشور بودند، مورد بخشش قرار گرفتند. با این حال، عده دیگری با پیوستن به گروه مسلح اسلامی یا گروه سلفیه برای دعوت و پیکار بر ادامه حرکت‌های مبارزاتی و اتکا بر ایدئولوژی جهاد و تکفیر پافشاری کردند. جماعت سلفیه برای دعوت (موعظه) و پیکار از سال ۲۰۰۲ پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فعالیت‌های خود را گسترش داد. هدف اصلی این گروه سرنگونی دولت و برقراری حکومت اسلامی در الجزایر اعلام شد.

این گروه که از سال ۲۰۰۱ متهم به ارتباط با القاعده بود، چه به لحاظ عقیدتی و چه از نظر تاکتیک و شیوه عمل در بسیاری موارد همانندی‌های گسترده‌ای با سازمان القاعده داشت، اما روابط اعضای این گروه طی چند سال گذشته با سازمان القاعده بسیار محدود بوده است.

تا پیش از سال ۲۰۰۴، این گروه رسماً ارتباطی با القاعده نداشت و اساساً در دوره رهبری حسن خطاب بر این سازمان، مقامات الجزایری اقدامات این گروه را چندان جدی نمی‌گرفتند و وی را نیز فردی میانه‌رو می‌خواندند. طی این دوره، فعالیت‌های این گروه (شاید متأثر از حرکت جزاره) درون مرزهای الجزایر محدود بود، اما پس از آنکه «نبیل صحراوی» جانشین

<sup>۱۰</sup> . هرابر دکمچیان، *اسلام در انقلاب، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب*، ترجمه حمید احمدی، کیهان، ۱۳۷۷، صص ۳۷۰-۳۶۹.

<sup>۱۱</sup> . *Lemonde Diplomatique*, 11, Nov. 2004.

<sup>۱۲</sup> . جماعت السلفية للدعوة والقتال

<sup>۱۳</sup> . الجبهة الإسلامية لانتفاذ

<sup>۱۴</sup> . به نظر می‌رسد اسامی از متن فرانسه برگردانده شده و احتمالاً اصل اسامی در زبان عربی یا لهجه الجزایری به نحوی دیگر املا و تلفظ می‌شوند.

<sup>۱۵</sup> . همان. همچنین رک: مرحوم محمد سمراوی در گفت‌وگو با صوت الجزایر، ۲۲ نوامبر ۲۰۰۳، قابل بازیابی در:



خطاب شد، حمایت گروه را از القاعده اعلام کرد.<sup>۱۶</sup> در پایان سال ۲۰۰۶ در پیامی ویدئویی که در سالروز حوادث ۱۱ سپتامبر پخش شد، ایمن ظواهری خبر پیوستن رسمی جماعت دعوت و پیکار را به سازمان القاعده اعلام کرد. یک روز پس از آن ابومصعب عبدالودود، رهبر الجزایری این گروه، ضمن تأیید این خبر، بیعت‌نامه‌ای با رهبران القاعده منتشر ساخت. ۱۷ پیوستن رسمی این گروه به القاعده نشان‌دهنده مقبولیت ایده سلفی جهادی و تکفیری خاص القاعده در بخشی از بدنه جامعه اسلامی الجزایر است. گروه سلفی دعوت و پیکار پس از این پیوند در بهمن ۱۳۸۵ (ژانویه ۲۰۰۷) نام خود را به «القاعده در سرزمین مغرب اسلامی» تغییر داد. این گروه بسیار قدرتمند است و حوزه فعالیتش به عنوان حوزه مغرب عربی و مدیترانه القاعده بسیار گسترده است. اساساً این گروه که مهم‌ترین عضو تشکیلاتی القاعده در مغرب عربی و مدیترانه به شمار می‌رود، در مراکش، الجزایر، موریتانی، مالی، نیجر و تونس فعالیت می‌کند. مناطق جیجل، غیلزال، الدفلی و کوه‌های سدات در غرب الجزایر پایگاه تدارکاتی این گروه هستند.

طی دو سال اخیر سه حادثه مهم آینده سازمانی سلفی‌های جهادی و تکفیری را در الجزایر با ابهام روبه‌رو کرده است: نخست، حادثه رفتن «عبدالمالک دروكدال» ملقب به «ابومصعب عبدالودود» فرمانده بومی سازمان القاعده، و جانشینی وی با فردی گمنام به نام «احمد هارون» است. دوم، دولت الجزایر اعلام کرد دو مقام و فرمانده سلفی‌های جهادی به نام‌های ابوحذیفه، رهبر گروه جند الاهوال، و حسن خطاب، بنیان‌گذار جماعت سلفی برای دعوت و پیکار، با اظهار پشیمانی از اعمال خشونت‌بار گذشته، خود را تسلیم کرده‌اند.<sup>۱۸</sup>

رویداد سوم که عمومی و مرتبط با همه سلفی‌های جهادی و تکفیری است، انتشار کتابی در قاهره به نام سند فهم درست جهاد در مصر و جهان<sup>۱۹</sup> به قلم دکتر سید امام عبدالعزیز الشریف است که به القابی همچون سید امام، دکتر فضل و عبدالعزیز عبدالقادر شهرت دارد. او که در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ همراه با نفر دوم القاعده، ایمن ظواهری، سازمان تجزیه‌شده جهاد را در پیشاور پاکستان احیا کرده بود، یکی از مهم‌ترین ایدئولوگ‌های گروه القاعده و گروه‌های کوچک‌تر سلفی جهادی به شمار می‌رفت. سید امام با نگاشتن دو کتاب مهم به نام‌های العمدة فی اعداد العدة و الجامع فی طلب العلم الشریف تا چندی پیش مرجع اصلی پیروان عقاید سلفی جهادی و تکفیری بود.<sup>۲۰</sup>

وی در کتاب جدید با رد بسیاری از عقاید پیشین خود، از عملکرد گروه‌های تحت رهبری خود و سازمان القاعده به شدت انتقاد کرد.

این عوامل که در الجزایر و میان گروه‌های جهادی و تکفیری نیز تأثیرگذار بوده است احتمال دارد از توان عملیاتی، عقیدتی و ایدئولوژیکی سلفی‌های تندرو بکاهد.

#### برخی گروه‌های سلفی جهادی و تکفیری در الجزایر

| نام گروه                                                          | رهبری                                                                 | وضع فعلی                                                      |
|-------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------|
| جماعة السلفية لدعوة و القتال (یا القاعده فی بلاد المغرب الاسلامی) | بنیان‌گذار آن حسن خطاب بود، اما رهبری فعلی را احمد هارون برعهده دارد. | سازمانی فعال در مغرب عربی زیرمجموعه القاعده                   |
| جند الاهوال الجزایر                                               | ابوحذیفه خود را به نیروهای امنیتی تسلیم کرد.                          | با تسلیم شدن و پشیمانی رهبر این گروه، آینده اعضا نامعلوم است. |
| جماعة الجزاره                                                     | محمد السعید که توسط جمال زیتونی، رهبر یک گروه سلفی دیگر کشته شد.      | غیرفعال و ادغام‌شده در سایر گروه‌های سلفی و جهادی             |
| حركة الدولة الاسلامیة                                             | عبدالقادر شبوطی، عضو سابق جبهه نجات اسلامی                            | در سال ۱۹۹۲ به ائتلاف مسلح سلفی‌ها پیوست.                     |
| افغانیون                                                          | طیب افغان از عرب‌افغان‌های بازگشته از جنگ                             | —                                                             |

#### ۲. القاعده نماد سلفی‌های جهادی و تکفیری در جهان اسلام

پس از بررسی منطقه‌ای و تاریخی سلفی‌های جهادی و نحوه تفکر و عملکرد آنها در هریک از کشورهای یادشده، به علت اهمیت فراوان و تأثیرگذاری بالای گروه القاعده بر سایر گروه‌ها و اندیشه‌های جهادی به فعالیت و عملکرد این گروه در شمال آفریقا پرداخته می‌شود.

براساس مطالب پیش‌گفته، جریان سلفی‌گرای تکفیری و جهادی یا به تعبیری نوسلفی از دل جریان وهابیت محافظه‌کار متولد و طی چند دهه به یکی از حرکت‌های بزرگ جهان اسلام تبدیل شد. این جریان با شعار «بازگشت به اسلام اصیل و سیره سلف»، جهاد را به عنوان واجبی عینی و انکارناپذیر مطرح کرده و بدون توجه به ملاحظات فقهی، حکم به تکفیر

<sup>۱۶</sup> «اتحاد سلفي گراها با بن‌لادن»، شرق، ۸۲/۱۲/۲۱، به نقل از الحیاء.

<sup>۱۷</sup> متیو گایدر، «چهره جدید تروریسم اسلامی، شعبه الجزایری القاعده»، لوموند دیپلماتیک، نوامبر ۲۰۰۶.

<sup>۱۸</sup> سرنوشت القاعده در الجزایر (www.presstvbeirut.com/pages/?cid=23).

<sup>۱۹</sup> وثیقه ترشید العمل الجهادی فی مصر و العالم.

<sup>۲۰</sup> حسیب عمار، «بنیان‌گذار جهاد مصر بر رهبران القاعده می‌نارد»، www.bbc.co.uk/presian، ۲ ژانویه ۲۰۰۸.





برخی مسلمانان داده است.

جریان نوسلفی القاعده با ویژگی‌های زیر از سایر اندیشه‌های اسلامی بازشناخته می‌شود:

۱. امتزاج عقاید سیاسی و ایدئولوژیک؛
  ۲. غلبه احساس بر ادراک؛
  ۳. غیریت و دگرستیزی؛
  ۴. آرمان‌خواهی دینی مبتنی بر اندیشه جزمی از سیره سلف به عنوان بنیاد هویت فردی و جمعی؛
  ۵. تفسیر و برداشت خاص از متون، نصوص و سنن اسلامی؛
  ۶. احساس وظیفه و تعلق شدید به تبلیغ و جهاد در راستای وظیفه‌گرایی جهادی؛
  ۷. توجه خاص به بازگشت نماد سیاسی اسلام اهل سنت یعنی نهاد خلافت؛
  ۸. تقلیل شأن فقها و توان و نفوذ آنها در مسائلی همچون جهاد و تکفیر؛<sup>۲۱</sup>
  ۹. تکفیر و دشمنی با تشیع.<sup>۲۲</sup>
- اگرچه از مدت‌ها پیش نشانه‌هایی از حضور و فعالیت نیروهای سازمان القاعده در شمال آفریقا دیده می‌شد، انفجارهای شهریور ۸۶ از آغاز فصلی جدید در فعالیت‌های این سازمان در شمال آفریقا و مغرب عربی خبر می‌داد. عملیات انتحاری آوریل ۲۰۰۷ در الجزایر که موجب کشته شدن ۲۵۰ تن شد و هفت عملیات انتحاری دیگر در کازابلانکا، پایتخت اقتصادی مراکش، نشان داد این منطقه آبستن حوادثی است که سازماندهی جدید القاعده مجری آن خواهد بود. حضور نیروهای آمریکایی در مثلث صحرا (مراکش، الجزایر و موریتانی) و تأسیس پایگاه نظامی دایم آنها در منطقه نیز بهانه اصلی و رقابت‌آمیز مناسبتی به گروه‌های سلفی و جهادی و در رأس آنها القاعده داد تا با ضربه زدن به منافع آمریکا و دولت‌های هم‌پیمان آنها (و هر کسی که با نحوه عمل القاعده مخالف است) قدرت‌نمایی کنند. برآورد شده است بیش از چهارصد جنگجو از مغرب عربی و شمال آفریقا در افغانستان آموزش دیده‌اند و همین تعداد مراکشی در عراق تحت آموزش و هدایت القاعده در حال جنگ هستند.<sup>۲۳</sup>
- در ژانویه ۲۰۰۷، گروه سلفی دعوت و مبارزه با ادغام با گروه‌های اسلامی جهادی لیبی و پیکارگر اسلامی مراکش طی بیانیه‌ای رسمی نام خود را به «القاعده مغرب اسلامی»<sup>۲۴</sup> تغییر داد و رسماً مرکز هماهنگی و فرماندهی القاعده در شمال آفریقا را تأسیس کرد.
- بدین ترتیب، القاعده با تشکیل پایگاهی در مغرب عربی و شمال آفریقا نشان داد پس از حملات فراوان به آن، هنوز توانایی‌های سازمانی خود را حفظ کرده است.<sup>۲۵</sup>
- پس از آن شبکه القاعده با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد قصد دارد به اهدافی در شمال آفریقا حمله کند؛ القاعده در این بیانیه اعلام کرد: «ما قصد داریم به بلاد کفر در شمال آفریقا حمله کنیم و از همین رو از همه می‌خواهیم این سرزمین را ترک کنند».<sup>۲۶</sup>
- یادآوری این نکته ضروری است که به رغم توان سازمانی بالا و فعالیت نسبتاً گسترده القاعده در منطقه، جریان‌های شبیه القاعده در شمال آفریقا جایگاه و پایگاه مردمی ندارند و به تبع آن، فاقد ماهیت جنبشی هستند. بنابراین عمدتاً به صورت سازمان عمل می‌کنند و شناخته می‌شوند.
- شاید بتوان یکی از علل مهم اتخاذ راهبرد اتحاد با القاعده توسط گروه‌های تکفیری و جهادی را فقدان پایگاه مستحکم مردمی و ناتوانی آنها در حفظ حیات و استقلال خود در منطقه دانست. در کنار آن باید به تشابهات عقیدتی و عملی و اقتضات سازمانی اشاره کرد.
- در شمال آفریقا، افراد و گروه‌های فراوانی مایل به افکار و عقاید سلفی‌های جهادی و تکفیری هستند.

<sup>۲۱</sup> . Tom Knowlth, "Zawaheri – not Binlidan – is the Top Target", See at: [www.sullivan.country.com/z/sftt.htm](http://www.sullivan.country.com/z/sftt.htm).

<sup>۲۲</sup> . برای اطلاعات بیشتر رک:

یاسین رسولی، «آینده بنیادگرایی و ویژگی‌های آن»، فصلنامه علمی - پژوهشی توسعه، س ۴، تابستان ۱۳۸۴.

<sup>۲۳</sup> محمد عجم، «تشدید فعالیت القاعده در مغرب اسلامی»، همشهری آنلاین، ۸۶/۷/۳.

<sup>۲۴</sup> تنظیم القاعده فی بلاد المغرب الاسلامی

<sup>۲۵</sup> ابوطیب بوعزه، «القاعده فی بلاد المغرب الاسلامی»، قابل بازیابی در [www.aljazeera.net](http://www.aljazeera.net)، ۲۰۰۷/۸/۱۹.

<sup>۲۶</sup> [www.aftab.ir](http://www.aftab.ir) (۸۶/۵/۳).



## برخی گروه‌های متحد اصلی القاعده در شمال افریقا

| نام گروه                   | رهبري                                                                             | وضع کنونی                                                                    |
|----------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------|
| گروه دعوت و مبارزه (GSPC)  | ابومصعب عبدالودود، حسن خطاب و رهبران جدید، نبیل صحراوي و احمد هارون               | فعال در مغرب عربي ادغام‌شده در القاعده؛ حسن خطاب خود را تسلیم دولت کرده است. |
| جنبش اسلامي پیکارگر مراکش  | عبدالکریم المجاطي و محمد الکرپوزي که مظنون به رهبري جدید گروه است.                | فعال در مغرب عربي و ادغام‌شده در القاعده                                     |
| گروه اسلامي جهادي لیبی     | عبدالله الصادق                                                                    | فعال در مغرب عربي و همکاری با القاعده                                        |
| سازمان توحید و الجهاد مصر  | —                                                                                 | فعال در مصر و مسئول انفجارهاي شرم‌الشیخ و دهب در مصر                         |
| سازمان صراط المستقیم مراکش | ملودي ذکریا                                                                       | فعال در مراکش                                                                |
| جماعت اسلام جنگجویان تونس  | طارق معروفی زندانی در بروکسل                                                      | فعال در اروپا (بلژیک و ایتالیا) و مغرب عربي                                  |
| جبهه سلفیة الجهادیة مراکش  | رهبر معنوي محمد الفیزازی که پس از انفجارهاي دارالبیضا به بیست سال زندان محکوم شد. | —                                                                            |
| جماعت هجرت و تکفیر مراکش   | داوود مخملي                                                                       | فعال در مراکش                                                                |
| سازمان سنت و الجماعة تونس  | نزار طرابلسي زندانی در بروکسل                                                     | فعال در تونس                                                                 |
| جبهه اسلامي تونس           | علي بن طاهر زندانی در تونس                                                        | فعال در تونس                                                                 |
| جند الاهوال الجزایر        | (ابوعمار) ابوحنیفة که خود را به نیروهاي امنیتی تسلیم کرد.                         | فعال در الجزایر                                                              |

همچنین سازمان القاعده در موریتانی در مثلث معروف به «مثلث افغانستان» واقع در منطقه صحرايي موریتانی و الجزایر، تشکیلات قدرتمندی دارد که بخش عمده افراد آن در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ دستگیر شدند و در زندان به سر می‌برند. آمریکا در این منطقه پایگاه‌هایی برای ردیابی تحرکات القاعده برپا کرده است.<sup>۲۷</sup>

## مهم‌ترین اعضای القاعده دارای اصالت شمال افریقایي

| نام                                        | تابعیت | وضعیت                                                                                                                                             |
|--------------------------------------------|--------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ایمن الظواهري                              | مصر    | در گذشته از اعضای اصلی شبکه الجهاد الاسلامي مصر بود. هم‌اکنون فرد دوم القاعده است و گمان می‌رود در مرز افغانستان و پاکستان مستقر باشد.            |
| سیف العدل                                  | مصر    | در گذشته افسر ارتش مصر بود. آمریکا او را مسئول انفجارهاي کنیا و تانزانیا در سال ۱۹۹۸ می‌داند. ادعا می‌شود وی رئیس دستگاه امنیتی شبکه القاعده است. |
| عبدالله احمد عبدالله معروف به ابومحمد مصري | مصر    | وی متهم به دست داشتن در انفجار سفارت آمریکا در کنیا در ۱۹۹۸ است. در حال حاضر احتمالاً در افغانستان به سر می‌برد.                                  |
| فاکر بن عبدالعزيز بن صوار                  | تونس   | توسط نیروهاي آمریکایی تحت تعقیب خاص است.                                                                                                          |
| عبدالرئوف جدي                              | تونس   | وی به همکاری با فاکر بن عبدالعزيز و برنامه‌ریزی برای آدم‌ربایی و عملیات تروریستی متهم شده است.                                                    |
| انس اللیبی                                 | لیبی   | دارای پناهندگی سیاسی از انگلستان بود. پیش‌بینی می‌شود اکنون در افغانستان باشد. وی نیز متهم به انفجارهاي سال ۱۹۹۸ است.                             |
| مصطفی محمد فاضل                            | مصر    | متهم به دست داشتن در انفجارهاي سال ۱۹۹۸                                                                                                           |
| احمد محمد حامد علي                         | مصر    | متهم به دست داشتن در انفجارهاي سال ۱۹۹۸                                                                                                           |

<sup>۲۷</sup>. «چارت تشکیلاتي القاعده»، ترجمه سعید آقاعلیخانی، به نقل از **المجله**، ۸۴/۴/۱، قابل بازیابی در:



|                      |                           |                                                                                                                                                                                                         |
|----------------------|---------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| معروف به احمد المصري |                           |                                                                                                                                                                                                         |
| ابوفرج الليبي        | ليبي                      | گفته مي‌شود وي فرد سوم القاعده و يكي از پرتوان‌ترين افراد ايدئولوژيك و علمي سازمان است. متهم به تلاش براي ترور پرويز مشرف است. وي چهارم مي ۲۰۰۵ بازداشت شد ولي پس از چندي از زنداني در افغانستان گريخت. |
| ذكريا الموسوي        | فرانسوي<br>مراكشي<br>تبار | متهم به دست داشتن در حوادث ۱۱ سپتامبر، بازداشت‌شده در امريكا و محكوم به حبس ابد                                                                                                                         |
| منير متصديقي         | مراكش                     | متهم به همكاري با القاعده در حوادث ۱۱ سپتامبر؛ در هامبورگ آلمان محاكمه و به ۱۲ سال زندان محكوم شد اما همچنان محاكمه وي ادامه دارد.                                                                      |
| باسم عطيه الله       | ليبي                      | كارشناس مواد منفجره، داراي افكار ضدشيعي و نويسنده كتاب‌هايي در اين زمينه و مسئول نظارت بر عمليات القاعده در پاكستان، تحت تعقيب توسط امريكا                                                              |
| ۱۳. ابويحيي الليبي   | ليبي                      | عضو ارشد القاعده كه پيش از اين شايعه مرگش تايد شده بود اما در حال حاضر در قيد حيات است و در سازمان القاعده در افغانستان فعال مي‌كند.                                                                    |

### نتيجه‌گيري

بازگشت به اسلام راستين و مدينه فاضله نبي اكرم در صدر اسلام، اذهان قاطبه اسلام‌گرايان سراسر جهان اسلام را به خود معطوف کرده است. طي يكي دو قرن گذشته گروه‌ها، سازمان‌ها، اندیشه‌ها و افكار گوناگون و متفاوتي در جهان اسلام متولد شده‌اند كه هريك به روشي خواهان احياي حكومت اسلامي و اصلاح‌گري جوامع مسلمان بوده و در اين راه راهكارهايي ارائه داده و قدم‌هايي برداشته‌اند.

سلفي‌هاي جهادي و تكفيري نيز همانند ساير نحله‌هاي فكري منبعث از سلفيه، خواهان آن هستند كه جوامع اسلامي كه به جوامعي جاهلي و قابل تكفير تبديل شده‌اند، در اعمال، افعال و اعتقادات ديني و سياسي به سيره سلف صالح، يعني شرايط زمامداري نبي اكرم(ص) در صدر اسلام و صحابه آن حضرت رجوع كنند.

وضعيت دوران معاصر و ناكارامدي يا عدم توفيق اندیشه‌ها و گروه‌هاي اصلاحي و احياگر سبب شد سلفي‌هاي جهادي و تكفيري مجال بيشتري براي طرح ديدگاه‌هاي بعضاً افراطي خود در جهان اسلام بيايند و عقايد خود را كه در سراسر دنياي اسلام مهجور و مطرود بود، ترويج و تبليغ كنند. در غرب جهان اسلام، به ويژه در مصر و تا حدي الجزاير، فعاليت‌هاي فكري و سازماني اين گروه‌ها بيش از ساير كشورهاي منطقه به چشم مي‌خورد.

بسياري از فعاليت‌هاي فكري و عملي سلفي‌هاي جهادي و تكفيري در شمال افريقا متأثر از تحركات سلفي‌هاي تكفيري در مصر بود كه برخي نحله‌هاي فكري اين جماعت نيز به نوبه خود متأثر از وهابيون عربستان بودند. طي دهه‌هاي پاياني قرن بيستم با توجه به وضع خاص سياسي، اجتماعي و بين‌المللي و همچنين ساختارهاي اجتماعي و هرم جمعيتي جوامع اسلامي غرب جهان اسلام و سرخوردگي‌هاي ناشي از شكست‌هاي بي‌درهي از نيروهاي استعماري، به ويژه شكست‌هاي متوالي اعراب از اسرائيل غاصب، حرركات سلفي‌هاي جهادي و تكفيري شدت بيشتري گرفت و جلوه‌هاي خشونت‌بار آن عليه نيروهايي كه به تصور آنها عاملان و متحدان كفار هستند، افزايش يافت.

اين امر زماني عمق و گسترش بيشتري يافت كه حكومت‌هاي سكوляр و سرگوبگر منطقه گروه‌هاي اصلاح‌گري ميانه‌رو و اساساً قسمت اعظم فعاليت‌هاي اسلام‌گرايان را سرگوب كردند يا تحت انقياد خود درآوردند. بنابر اين، نيروهاي اجتماعي آزادشده از اين گروه‌هاي ميانه‌رو به سرعت جذب ايدئولوژي جهادي - تكفيري شدند و تحت لواي اين گروه‌ها به فعاليت پرداختند. اكنون پس از نيم قرن فعاليت اشكار و پنهان گروه‌هاي متأثر از افكار سلفي تكفيري و جهادي در غرب جهان اسلام، به رغم گسترش فعاليت سازماني اين جماعت‌ها و افزايش نسبي تحركات آنها، با توجه به برخورد آنها با جوامع اسلامي، عدم پذيرش و تحمل ساير گروه‌هاي اسلام‌گرا توسط آنها و حرركات بيش از اندازه خشونت‌آمیز برخي گروه‌هاي تكفيري، جوامع اسلامي منطقه به شدت از آنها فاصله گرفته‌اند. اين فاصله مردمي و طرد اجتماعي منبعث از جلوه‌هاي فرهنگ اجتماعي، سياسي و ايماني جمعيت‌هاي مسلمان منطقه بوده كه اعمال سلفي‌هاي تكفيري آن را زاويه‌دارتر نيز کرده است. بنابر اين طي سال‌هاي اخير شاهد آن هستيم كه دولت‌هاي سرگوبگر منطقه با استفاده از اين شكاف اجتماعي گسترده با تمام توان به گروه‌هاي تكفيري حمله کرده و بسياري از آنها را به زانو درآورده‌اند. شايد به همين دليل، سازمان‌هاي جهادي و تكفيري كه اميد خود را به ايجاد يك جنبش اجتماعي متأثر از عقايد خود در جوامع اسلامي از دست‌رفته مي‌بينند، در تلاش‌اند با گسترش سازماني (و نه عقيدتي و اجتماعي) و اتحاد و ائتلاف با سازمان‌هاي مشابه، از جمله سازمان القاعده ضمن حفظ موجوديت خود، توان عمل و فعاليتشان را نيز در منطقه حفظ كنند.

به نظر مي‌رسد با توجه به وضع موجود، گروه‌هاي جهادي و تكفيري نتوانند بدون تغيير الكوهاي رفتاري و عقيدتي راهي براي ايجاد جنبشي اجتماعي و پذيرش عمومي عقايد خود بيايند كه منتج به سلسله تحولات اجتماعي و شايد تغيير نوع حكومت يا حتي تحول حاكميتي شود. با توجه به وضعيت پيچيده اجتماعي و سياسي حاكم بر منطقه به نظر مي‌رسد تا مدت‌ها گروه‌هاي تكفيري و جهادي ضمن حفظ موجوديت و حيات سياسي و سازماني نتوانند منشأ اثر مهمي در جوامع غرب جهان اسلام شوند. اين نكته نيز قابل تأمل است كه برخي متفكران و صاحب‌نظران اين نحله فكري، راه بازنگري در عقايد جهادي - تكفيري را در پيش گرفته‌اند كه در صورت توفيق شايد در سال‌هاي آينده جلوه‌هاي متفاوتي از عقايد سيره سلف، جهاد و تكفير از ديدگاه سلفي‌هاي جهادي و تكفيري امروزي را شاهد باشيم.